

رازهای کلیسا

ادوارد کلمارتین

سطح متوسط

رازهای کلیسا

ادوارد کلمارتین

این کتاب ترجمه ای است از :

THE SACRAMENTS
SIGNS OF CHRIST, SANCTIFIER AND HIGH PRIEST

BY: EDWARD J. KILMARTIN, S.J.

1962, PAULIST PRESS

فهرست

۵	مقدمه	۳۲	۷- رازها از کوشش انسانها سرچشمه نمی گیرند
		۳۴	۸- تاثیر رازها
۵	الف) دعوت به مشارکت در زندگی خدا	۳۶	۹- سه راز دارای یک ویژگی رازگونه هستند
۶	۱- مکاشفه	۳۸	۱۰- هفت راز شریعت نوین
۸	۲- مسیح: راه	۴۰	۱۱- تعریف کلی رازهای عهد جدید
۹	۳- کلیسا بعنوان واسطه		
۱۱	۴- لزوم رازها	۴۳	سوالاتی برای بحث گروهی
۱۴	۵- اصول رازگونه		
۱۵	ب) ماهیت و کفایت رازهای هفتگانه کلیسا		
۱۵	۱- رازها نشان هستند		
۱۸	۲- اجزای اصلی و سازنده نشان		
۱۹	۳- رازها اعمال مسیح هستند		
۲۵	۴- رازها اعمال کلیسا هستند		
۲۸	۵- رازها اعمال خادمین هستند		
۳۰	۶- دریافت کنندگان رازها		

خود بدست آورد. آغاز و ابتکار چنین عملی باید از سوی خدا صورت می‌گرفت.

انسان با مشاهده و تفکر در مخلوقات می‌توانست این آگاهی را کسب کند که خدا آفرینندهٔ خلقت است. می‌توانست وجود یک مطلق را درک کند که دارای شخصیت می‌باشد. با این وجود او در خودش فقط یک اشتیاق ضعیف به منظور ارتباط شخصی با شخص خدا را داشت. ملاقات شخصی انسان با خدا به ارادهٔ خدا بستگی داشت. اگر بنا بود انسان سقوط کرده از قید و بندهای گناه و مرگ آزاد می‌شد می‌بایست فیض رایگان دیگری از خدا برای انسان وجود می‌داشت.

۱- مکاشفه

بخشش حیات الهی که انسان را دوباره قادر می‌سازد تا از مصاحبت خدا لذت ببرد می‌توانست به چندین طریق عطا شود. خدا می‌توانست خود را به انسان مکاشفه کند همانگونه که به آدم و حوا، قبل و بعد از سقوط ظاهر کرده بود. اما خواست وی چنین نبود. بخاطر محبت عمیقی که از تثلیث سرچشمه می‌گیرد، به انسان فرصتی دوباره برای مصاحبت شخصی با خالق خویش داده می‌شد. فقط در این زمان است که ابتکار خدا بوسیلهٔ مجموعه‌ای از مکاشفه‌های تاریخی کم‌کم اعلام می‌شود، مکاشفه‌هایی که در راز تجسم پسر خدا شدت می‌یابد و به اوج خود می‌رسد.

مقدمه

برای درک مفهوم کامل رازهای مسیحی، لازم است که آنها را در متن کلی نقشهٔ خدا برای نجات بشر قرار داد که با آفرینش اولین انسان شروع می‌شود و با آمدن دوبارهٔ مسیح به تحقق می‌رسد. رازهای کلیسا بخشی اصلی از تاریخ نجات است. بنابراین مفید خواهد بود که طرح عمومی تاریخ نجات را با توجه ویژه به هفت راز کلیسا مرور کنیم. در این جزوه ماهیت رازهای شریعت نوین، ارتباط آنها با مسیح، کلیسا خادم و دریافت کنندهٔ راز و همچنین تأثیرات آنها را به طور مفصل مورد توجه قرار خواهیم داد.

الف) دعوت به مشارکت در زندگی خدا

راز تثلیث اقدس، آفرینش و تقدیر ماوراء الطبیعی انسان یعنی مشارکت در حیات تثلیث را از ازل بیان کرده است. بهر حال انسان به دلیل سقوط آدم، فیض تقدیس کننده را از دست داد و به موقعیتی تا به ابد مغایر با خدا تنزل پیدا کرد. در حالیکه تقدیر انسان مبنی بر مشارکت با تثلیث همچنان به قوت خود باقی بود اما نمی‌توانست آن را با نیروی

را اعلام می‌کند اما در همان زمان کسی است که انسان در نام او دعوت خدا را می‌پذیرد. در او پیمان نوین به نتیجه قطعی خود می‌رسد و فیض خدا به طور کامل در دسترس همگان قرار می‌گیرد. دعوت خدا برای مصاحبت شخصی، در او طنین کاملاً انسانی خود را باز می‌یابد. جواب او بعنوان سر نسل بشر، نجات ماست. پرستش او، تقدس ماست.

۲- مسیح: راه

بهر حال اگر چه مسیح توسط زندگی، مرگ و رستاخیزش خلقت جدید خدا را ترتیب داد و پیوند صمیمی بین انسان و خدا را دوباره برقرار کرد اما مشارکت کاملاً فردی در این خلقت جدید فقط تا آنجایی است که انسان در یک ملاقات شخصی با خدا روبرو شود. این کار توسط مسیح ممکن شده است. زیرا او پسر خداست و ملاقات با مسیح زمینی، ملاقات با خداست. در واقع این مصاحبت شخصی با خدا فقط از طریق مسیح ممکن است زیرا اراده خدا چنین است که پسر یگانه اش راه نجات باشد. ملکوت خدا که توسط مسیح در این جهان برپا شده است فقط از طریق مشارکت در زندگی، مرگ و رستاخیز مسیح در دسترس انسانها قرار می‌گیرد (ر.ک. کولسیان ۲: ۱۸-۱۹، افسسیان ۴: ۱۵-۱۶). انسان باید با یگانه «شفیع عهد جدید» (عبرانیان ۹: ۱۵) روبرو شود که فقط توسط وی می‌تواند عبادت مقبول و عدالت را داشته باشد.

اگر داشتن حیات الهی مستلزم ملاقات انسان با مسیح است این سؤال پیش می‌آید که بعد از صعود مسیح این کار چگونه ممکن خواهد بود. آیا

اولین دعوت ملموس انسان توسط یهوه از طریق کلام انبیا صورت گرفت. یهوه توسط انبیا فعالیت نجات بخش خود برای قوم اسرائیل را آشکار نمود. چکیده تاریخ قوم برگزیده در این کلام یهوه خلاصه می‌شود: «خدای شما خواهام بود و شما قوم من خواهید بود» (لاویان ۲۶: ۱۲). یهوه خدای قادر مطلق و پادشاه آسمان و زمین، اسرائیل را به مصاحبت خویش دعوت می‌کند. اسرائیل برای رد این پیشنهاد یا قبول محبت آمیز آن آزاد و مختار باقی می‌ماند.

این مکاشفه محبت خدا همچنانکه بعداً اثبات می‌شود، فقط پیشگویی مکاشفه‌ای دیگر در آینده بود. این مکاشفه نه کلام معمولی بلکه کلمه جسم گردید است که نقشه خدا برای نجات بشر را کاملاً آشکار خواهد نمود. اگر چه می‌توان اسرائیل را «قاتل انبیا و سنگسار کننده مرسلان خود» (متی ۲۳: ۳۷) نامید، با این وجود خدا نسبت به وعده هایش وفادار خواهد ماند و وعده فرستادن پسر یگانه خود را عملی خواهد نمود. یوحنا ی قدیس می‌گوید: «محبت خدا بما ظاهر شده است به اینکه خدا پسر یگانه خود را به جهان فرستاده است تا به وی زیست نماییم» (اول یوحنا ۴: ۹).

خدا بار دیگر در عیسی نشان می‌دهد که نجات مستلزم ملاقاتی شخصی بین او و انسان است. پسر مجسم خدا باعث پیمانی نوین و جاودانی می‌شود که نجات را به همه انسانها عرضه می‌کند. جنبه دوگانه این پیمان را در خود باز می‌شناسد: دعوت خدا و جواب انسان. او نه تنها نشان مرئی و ملموس دعوت خدا به محبت شخصی است بلکه نماینده و تحقق کامل جواب محبت آمیز انسان نیز هست. او دعوت خدا

نمی‌کرد که بتواند جدا از جامعه یعنی کلیسا به خدا دسترسی پیدا کند. پولس قدیس می‌گوید: «جمیع ما به یک روح در یک بدن تعمید یافتیم» (اول قرنتیان ۱۲: ۱۳).

کلیسا در حالیکه نمایندهٔ زمینی مسیح روحانی است، ممکن است راز انسانیت مسیح نامیده شود و این نامگذاری کاملاً عادلانه است. این نقش راز گونهٔ کلیسا از طریق موعظهٔ کلام و برپایی هفت رازی که توسط مسیح بنیان‌گذاری شد، به تحقق می‌رسد. کلام و راز راههایی هستند که بدان وسیله کلیسا کارایی خود را به عنوان وسیلهٔ نجات نشان می‌دهد، یعنی کلیسا، مسیح و کار نجات بخش وی را به بشریت ارائه می‌دهد. مسیح توسط کلام و راز و در فعالیت کلیسا و بوسیلهٔ این فعالیت با انسان روبرو می‌شود و در این ملاقات تمام کسانی را که می‌خواهند در برمی‌گیرد و آنها نیز وی را دریافت می‌کنند.

فیض ایمان توسط موعظه و بشارت داده می‌شود. کلیسا در قدرتی رازگونه مشارکت دارد که در کل کلیسا نفوذ می‌کند. کلیسا در حالی که در روح شهادت می‌دهد، قدرت نجات را در خود دارد: ایمان ماوراءالطبیعی را در ما برمی‌انگیزاند و جواب ایمان را در ما بیدار می‌کند ایمانی که خود اساس عدالت است. بنابراین کلام و موعظه، اطاعت ایمانی را بوجود می‌آورد که مقدمهٔ پذیرش پرثمر رازهاست. بدون کفایت کلام، رازها کفایت واقعی نخواهند داشت. بدون ایمانی که از کلام می‌آید، انسان قادر نخواهد بود فقط از طریق نشانهای مربوط به راز وارد مصاحبت شخصی با مسیح شود.

عیسی در محدودیتهای تاریخی دو هزار سال قبل زندگی نکرد و نمرود؟ به نظر می‌رسد این حقیقت بیانگر این باشد که انسان فقط در حالتی کاملاً روحانی می‌تواند مسیح را ملاقات کند و نه در جسم.

اگر چه این امر کفایت می‌کرد اما مسیح چیز دیگری را نیز مهیا کرده است. ابعاد نجات الهی در رازها هنوز با ماست. بر طبق وضعیت جسمانی و روحانی ما، ملکوت خدا هنوز هم با ظاهری دنیوی به ما عرضه می‌شود. ملاقاتی در جسم با مسیح جلال یافته و دراو با تثلیث اقدس، در رازهای کلیسا امکان پذیر شده است، کلیسایی که زمینی، مرئی و عضو نجات بخش خداوند زنده و نامرئی است. در کلام و رازهای کلیسا با فعالیت نجات بخش خداوند [kyrios] ۱ به شکلی مرئی و به شیوه‌ای جسمانی ملاقات می‌کنیم.

۳- کلیسا بعنوان واسطه

بنابراین کلیسا نقش نماینده را دارد. کلیسا وظیفه دارد تا کار نجات بخش مسیح را در تمام اعصار به همهٔ انسانها ارائه دهد. در سنت یهودی-مسیحی این اصلی اساسی است که انسان در جامعه و از طریق آن نجات می‌یابد. یهودیان قدیم نمی‌توانستند بعنوان فردی تنها به پهوه جواب دهند. بنابراین کلیسای اولیه نیز چنین بود. فرد مسیحی تصور

۱- نام kyrios (خداوند) بوسیلهٔ کلیسای اولیه در اشاره به مسیح جلال یافته استفاده می‌شد. این اسم بیانگر ایمان به مسیحی است که الوهیت دارد..

زمینی یعنی در رازهای کلیسا ارائه می‌دهد. کلیسایی که انسان در آنجا مصاحبت شخصی با مسیح و در او با تثلیث اقدس را بدست می‌آورد. بنابراین فیضی که عیسی توسط انسانیت مقدس خود به معاصرینش داد اکنون توسط کلیسا داده می‌شود. از این روست که پولس قدیس کلیسا را بدن مسیح و «پری/او» می‌خواند (افسسیان ۱:۲۳). این مسئولیت کلیسا در دستور مسیح به شاگردانش مبنی بر موعظه و تعلیم رازها (متی ۲۸:۱۸-۱۹، یوحنا ۲۰:۲۱) بخوبی دیده می‌شود. بقول اچ دولوبا، «کلیسا راز مسیح است همانگونه که انسانیت وی راز خداست.» این تعلیم رسمی درباره‌ی تعمق الزامی بر کلیسا توسط پیوس دوازدهم در *Mystici Corporis* مورد تأکید قرار گرفته است:

عیسی مسیح آن هنگام که بر صلیب آویزان بود نه تنها اجرای عدالت پدر سرمدی را به خود گرفت [عدالتی که مورد تمسخر قرار گرفته بود] بلکه بخشش مداوم فیض را برای ما یعنی برادرانش بدست آورد. شخصاً برای او آسان بود که این فیض را بی‌درنگ به انسانها ببخشد اما او می‌خواست این کار فقط توسط کلیسا صورت بگیرد که از اتحاد انسانها شکل می‌گرفت و بنابراین از طریق آن کلیسا همه انسانها در همکاری با او نقشی به عهده می‌گرفتند تا فیض نجات را به کل بشریت بدهند. کلمه خدا اراده کرد تا از طبیعت ما استفاده کند در حالیکه با شکنجه‌هایی که متحمل شد بشریت را نجات داد. او

۴- لزوم رازها

اگر کلام و موعظه که ایمان یعنی اولین شرط لازم برای نجات را برمی‌انگیزاند، ناچیز گرفته نشود باید بگوییم که کلام به خودی خود کافی نیست. عهد جدید همچنین بر لزوم رازها تأکید می‌کند (تعمید: اعمال ۲:۳۸، یوحنا ۳:۵، غلاطیان ۳:۲۵-۲۷؛ قربانی مقدس: یوحنا ۶:۵۳-۵۸). رازهای مقدس کلیسا تنها راهی نیستند که عیسی برای تقدیس انسانها بکار می‌برد بلکه وسیله‌هایی لازم و مخصوص برای ملاقات با عیسی هستند و در ورای دعوت به ایمان، دارای کفایت ویژه می‌باشند. انسان بوسیله رازها مشارکتی کامل در مسیح می‌یابد و در مشابهت با عیسی رشد می‌کند. رازها مهمترین وسایل تقدس و نجات هستند.

آنچه عیسی در هنگام زندگی بر روی زمین از طریق انسانیت خویش انجام داد، اکنون از طریق رازها به انجام می‌رساند. رازها باعث می‌شوند که مصاحبتی شخصی بین خداوند (kyrios) زنده و دریافت کننده راز بوجود آید و بنابراین شخص می‌تواند در فیض نجات مشارکت یابد. رازها ما را برای ملاقات جسمانی با مسیح جلال یافته آماده می‌سازند. این امر اگر چه پوشیده است اما واقعی می‌باشد یعنی برخوردی کاملاً انسانی با خداوند جلال یافته و نیروی کار نجات بخش وی. در رازها میسر است. بعد انسانی خداوند جسم گرفته از بین خواهد رفت اما خدا در فعالیت نجات بخش خود نسبت به نقشه اصلی و اولیه خویش وفادار باقی می‌ماند. مسیح هنوز هم ملکوت خدا را به شکلی

احیا می‌گردد. کلیسا در مرحله بعد آن را بوسیله رازها انجام می‌دهد که راههای ویژه‌ای برای مشارکت انسان در حیات الهی هستند. کلیسا سرانجام این کار را با تقدیم تمام خوبیها و بدیها، دعاهای ستایش و سپاسگزاری روزانه خویش انجام می‌دهد.

۵- اصول رازگونه

در این تدارک نجات، کار الهی و نجات بخش مسیح بوسیله ملاقات تاریخی یعنی کلام الهامی، انسانیت مقدس مسیح و کلیسا در کلام و رازهای خویش به ما می‌رسد. در نتیجه ما آن را تدارک رازگونه نجات می‌نامیم تا روشن کند که فعالیت الهی از طرف انسان با خشونت رد شد و به تسلیم مسیح انجامید.

در نقشه نجات بخش خدا، واقعیت عینی حیات الهی به صورتی ملموس به ما ارائه می‌شود. این کار مستلزم دیدگاهی مشخص نسبت به دنیای مادی است یعنی این که ماده نیکو و حتی مفید می‌باشد تا بتواند در خدمت روح تقدیس کننده باشد. این اصل را با اصطلاح «اصل رازگونه» تعریف می‌کنیم زیرا حقانیت حیات الهی را اثبات می‌کند. این اصل رازگونه وقتی که «کلمه جسم گردید» در تجسم پسر خدا تقویت شد و در موعظه و رازهای کلیسا کاربرد پیدا کرد.

همان راهی را برگزید که قرن‌ها ادامه دارد. او از کلیسا استفاده می‌کند تا کاری را که شروع کرده است به انجام رساند.

بنابراین کلیسا بعنوان نماینده مسیح رازها را اجرا می‌کند و بعد مرئی و ملموس به فعالیت نامرئی سر خود می‌دهد:

براستی رازها و قربانی قربانگاه در حالیکه اعمال خود مسیح هستند باید آنچه‌شان باشند که در خودشان توانایی رساندن و بخشیدن فیض را از سر الهی به اعضای بدن سرّی مسیح داشته باشند (پیوس دوازدهم، بیانیه پاپ Mediator Dei).

اگر ما بر تأثیرات تقدیس کننده رازهای کلیسا تأکید کرده ایم نباید فراموش کنیم که رازها کار دعای مسیح و بدن سرّی او نیز می‌باشند. مسیح کاهن اعظم، کلیسا را از طریق رازها بسوی محدوده فعالیت کهناتی خویش می‌کشاند. این حقیقت توسط پیوس دوازدهم در بیانیه Mediator Dei بسط و گسترش داده شده است که قبلاً به آن اشاره کردیم.

کلیسا در اطاعت از فرمان بنیان‌گذار خویش، مأموریت کهناتی عیسی مسیح را عمدتاً بوسیله آیین نیایشی مقدس ادامه می‌دهد. کلیسا این کار را قبل هر چیز در قربانگاه انجام می‌دهد، جایی که قربانی صلیب بطور مداوم برگزار می‌شود و با اختلاف کوچکی در شیوه تقدیم آن،

دلایل دیگری نیز برای نشان وجود دارد و بنابراین باعث ملاقاتی تقدیس کننده و تاریخی بین مسیح و فرد مسیحی می گردد.

بسیاری از نویسندگان از راز هم بعنوان نشان و هم بعنوان سمبل سخن می گویند و در کاربرد این کلمات هیچگونه اختلافی قایل نمی شوند. بعضی دیگر ترجیح می دهند که از راز فقط بعنوان سمبل سخن گویند زیرا احساس می کنند که در فرهنگ و زبان امروز، کلمه «نشان» برای بیان معنی راز بسیار ضعیف و نارسا می باشد. به نظر آنها این کلمه تداعی کننده (چراغ راهنما) یا تابلوی اعلانات است.^۲ .
بهرحال درک رایج مردم از سمبل تا اندازه زیادی فرق می کند و بعضی وقتها آنچنان از لحاظ معنی محدود است که نمی توان آن را در بررسی ماهیت رازهای مسیحی مورد استفاده قرار داد. به این دلیل ما کلمه «نشان» را بکار می بریم که از لحاظ سنت قدیمی تر و دقیق تر است.^۳ .
(یقیناً موضوع مهم این است که معنی این اصطلاح را در کاربرد آن با راز بفهمیم).

معمولاً در هنگام صحبت کردن، نشان بعنوان واقعیتی محسوس درک می شود که واقعیت پوشیده تری را روشن و قابل شناخت می سازد. نشان باید (۱) از خود واقعیت متمایز باشد؛ (۲) با آن واقعیت ارتباط و هماهنگی داشته باشد؛ (۳) فهمیدن آن از خود واقعیت آسانتر باشد. نشان بعنوان واسطه عمل می کند. وقتی که نشان توسط عناصر جهان

۲- کلمه sign در زبان انگلیسی هم به معنی نشان و هم به معنی چراغ راهنما است

۳- این همان کلمه ای است که در عربی و فارسی «آیت یا آیه» ترجمه شده است

ب) ماهیت و کفایت رازهای هفتگانه کلیسا

با مطرح نمودن جایگاه رازها در نقشه نجات، اکنون به بررسی مفصل تر ویژگیهای عمومی رازهای هفتگانه می پردازیم. این رازها هفت جنبه از یک تدارک نجات می باشند. با مطالعه جداگانه آنها متوجه می شویم که این هفت راز از بعضی جهات با هم فرق دارند. با این وجود دارای عناصر مشترک زیادی نیز می باشند. مطالعه این عناصر مشترک ما را کمک می کند تا طبیعت ویژه هر کدام را درک کنیم و در نتیجه زمینه ای برای بررسی هر یک از رازها را در اختیار داشته باشیم.

۱- رازها، نشان هستند

نشانها در هر مذهبی به کرات یافت می شود. این نشانها راهی است که اطلاعات ماوراء حسی را به انسان می شناسانند و پرستش خدای آن دین را به طور طبیعی بیان می کنند. بعلاوه نشانها پیوندهایی هستند که افراد را به همدیگر می پیوندد و جامعه ای مقدس تشکیل می دهد. جوامع مذهبی، درست همانند جوامع غیر مذهبی، موجودیت اجتماعی خود را توسط نشانها بیان می کنند. در تعالیم مسیحی از آنجا که نشانها، دعا و فعالیت تقدیس کننده مسیح، کاهن اعظم را بطور ملموس بیان می کنند،

۲- اجزای اصلی و سازنده نشان

رفتار و عناصر مادی: بعضی از رازها از عناصر مادی همچون آب، روغن، نان و شراب استفاده می‌کنند که از رفتار انسانی سرچشمه گرفته است. در توبه، فرمانهای مقدس و ازدواج، فقط رفتار وجود دارد (داوری، وضع دستها، شادمانی متقابل نسبت به پیمان ازدواج). بنابراین تمام رازها با رفتار و حرکات انسانی سروکار دارند. بنظر می‌رسد بعضی از اعمال مربوط به رازها از مراسم مذهبی خارج از مسیحیت گرفته شده باشد (وضع دستها، مسح با روغن، شستشوی طهارت، خوراک مذهبی). برخی اوقات با اعمال روزمره سروکار دارد که در زندگی معمولی و روزمره انسانی تجربه می‌شود (داوری، پیمان). کلام: اگر رفتاری که در مراسم مذهبی برای راز بکار برده می‌شود یک نشان قراردادی است، این نشان برای توصیف ماهیت رازهای عهدجدید کافی نخواهد بود. هیچ رازی بدون کلام وجود ندارد. بنابراین راز مسیحی، یک نشان چند بعدی است: رفتار انسانی و کلام متناسب با آن. بولس قدیس برای مراسم تعمید از عنصری دوگانه (کلام و رفتار) سخن می‌گوید: «ای شوهران، زنان خود را محبت نمایید چنانکه مسیح هم کلیسا را محبت نمود و خویشتن را برای آن داد تا آن را به غسل آب بوسیله کلام طاهر ساخته تقدیس نماید» (افسیان ۵: ۲۵-۲۶). قانون چند بعدی بودن نشان در مورد تمام رازها صادق است. اهمیت کلام را از این حقیقت می‌توان درک کرد که کلام آنچه را اساساً رفتاری کفرآمیز است، مقدس می‌گرداند. کلام مفهومی را که در

مادی تشکیل و تعیین می‌شود قبل از هر چیز با عمل^۴ سروکار دارد. به عبارت دیگر یک عنصر مادی بعنوان نتیجه عمل به نشان تبدیل می‌شود. در اینجا ما از عملی که از خود شیء نشأت می‌گیرد، سخن نمی‌گوییم. بوسیله این فعالیت، یک موضوع شناخته می‌شود اما به یک نشان تبدیل نمی‌گردد. برای اینکه یک شیء یا موضوع به نشان تبدیل شود باید به چیز دیگری اشاره کند. برای انجام این امر، عمل یک شخص لازم و ضروری است. یک شیء از طریق شخص به نشان تبدیل می‌شود. شخص باید برای خود نشانی بسازد که مستلزم و مربوط به شخص دیگری نباشد زیرا نشانه‌های ابتدایی و معمولی بر بیش از یک نفر دلالت می‌کنند. در میان نشانه‌هایی که بین اشخاص وجود دارد می‌توانیم دو تعریف زیر را کنیم. ۱) نشانه‌هایی که بلافاصله از شخصی به شخص دیگر نمی‌رسند (آثار مکتوب یا یک اثر هنری)؛ ۲) نشانه‌هایی که بلافاصله از شخصی به شخص دیگر می‌رسند (دست دادن یا صحبت کردن). مورد دوم از نشانه‌های بین اشخاص، ارتباط آنی بین دو شخص را در همان لحظه بیان نشان برقرار می‌کند. شخصی که می‌خواهد به این طریق خود را به فرد دیگری بشناساند، رابطه‌ای را برقرار می‌کند که ممکن است پذیرفته شود و یا رد گردد. رازهای عهد جدید به این نوع نشانه‌ها تعلق دارند. اما بجای رابطه انسانی، فرصت ملاقات با مسیح و در او با تثلیث اقدس را ارائه می‌دهند.

action=۴

داشته باشد. در نتیجه انسانیت مقدس مسیح، وسیله نجات انسانهاست. پولس قدیس مسیح را چنین می نامد: «در میان خدا و انسان یک متوسطی است یعنی انسانی که عیسی مسیح باشد» (اول تیموتاوس ۲:۵).

از آنجا که رازها نشانهای حقیقی فیض هستند چنین می نماید که باید با این «متوسط» یا واسطه فیض یعنی عیسی مسیح رابطه نزدیکی داشته باشند. این فرض که مسیح در تاریخ نجات موقعیت منحصر بفردی دارد ما را به این می کشاند که اگر مراسمی مذهبی وجود دارد که بطور واقعی مفهوم رابطه فیض را برساند باید ابعادی مرئی به فعالیت نامرئی مسیح، آدم دوم بدهد اما نمی تواند از او مستقل باشد یا بعنوان جانشین وی عمل کند. در حقیقت، رازها اعمال مسیح هستند.

رازها با مراسم زیادی که آنها را احاطه کرده و آنها را تفسیر می کنند در همین نکته فرق دارد (مثلاً مراسم قبل و بعد از تقدیس نان و شراب در قربانی مقدس، مراسم اخراج شیاطین یا مراسمی که در رابطه با تعمید برگزار می شود). این مراسم اضافی اعمال کلیسا هستند که در حوزه حقانیت خویش انجام می دهد. آنها اعمال مسیح به معنی واقعی نیستند و بنابراین همان کفایت را ندارند اما از آنجا که دعای کل بدن سرّی مسیح را بیان می کنند در کار نجات بخش وی دارای قدرت می باشند.

مسیح رازها را بنیان نهاد. منظور از اینکه رازها اعمال مسیح هستند به چه معنی است؟ قبل از هر چیز این جمله به این معنی است که عیسی رازها را بنیان نهاد. رازها پیامد ابتکار کلیسا نیست. این تعلیم توسط

رفتار انسانی مخفی است کشف می کند به نحوی که بتواند حضور فعالیت تقدیس کننده مسیح و روح القدس را بیان کند.

نشان های ایمان: وقتی که کلام جزئی ضروری از نشان ملموس و مرئی باشد، ایمان کلیسا را در وقایع و رویدادها بیان می نماید. از این رو کلام جوابی از روی ایمان مبنی بر مشارکت فردی در مراسم مذهبی را می طلبد. ایماندار بوسیله کلام از رازی که برگزار می شود آگاه می گردد و فراخوانده می شود تا به این ابتکار الهی جواب دهد. گفتگویی که از طرف خدا توسط کلام رازگونه شروع می شود، فرد مسیحی شنونده کلام را به جوابگویی فرامی خواند یعنی از وی می خواهد که براساس ایمان خود جواب دهد. زیرا تجربه رازها - کاربرد و پذیرش آنها - اقرار ضمنی به ایمان است.

۳- رازها اعمال مسیح هستند

رازها اعمال مسیح، تقدیس کننده و کاهن اعظم هستند: فقط خدا فیض می بخشد زیرا نه تنها فقط او می تواند گناه را ببخشد (لوقا ۵:۲۱)، بلکه فیض در همان ابتدا بیانگر رابطه صمیمی با تثلیث اقدس است که ماورای توانایی طبیعی هر موجودی برای بدست آوردن آن می باشد (مثلاً انسانیت مقدس مسیح یا باکره متبارک). اعطای فیض کار روح القدس است. با این وجود همچنانکه قبلاً شنیده ایم، تثلیث اقدس انسان را از ازل برگزید تا از طریق مسیح در حیات الهی مشارکت

تعریف شده است. در نتیجه با گذشت زمان و در طول قرن‌ها، در کلام و رفتار بعضی از رازها تا اندازه‌ای تغییر بوجود آمد اگر چه معنی الزامی آنها توسط کلیسا حفظ و نگهداری می‌شد.

رازها کفایت خود را از کار نجات بخش مسیح می‌گیرند. از آنجا که کفایت رازها بوسیلهٔ قربانی نجات بخش مسیح فراهم شده است، اعمال مسیح هستند. این باور که رازها کفایت خود را از کار نجات بخش مسیح می‌گیرند همیشه توسط کلیسا بیان و اقرار شده است. برای اثبات این حقیقت کافی خواهد بود که شهادت عهد جدید را بیاد آوریم.

یوحنا ی ق‌دیس کاملیت کار نجات را به افاضهٔ روح القدس نسبت می‌دهد: «روح القدس هنوز عطا نشده بود چونکه عیسی تا بحال جلال نیافته بود» (یوحنا ۷: ۳۹). یوحنا در توصیف مرگ عیسی چنین می‌گوید: «سرخود را پایین آورده جان بداد» (یوحنا ۱۹: ۳۰). این «جان دادن» تعبیری یونانی است که در اناجیل نظیر (متی ۲۷: ۵۰، مرقس ۱۵: ۳۷، لوقا ۲۳: ۴۶) یافت می‌شود و بنظر می‌رسد بیانگر این باشد که یوحنا ی ق‌دیس تمایل دارد تا بین مرگ عیسی و اولین افاضهٔ روح القدس به انسانها رابطه‌ای برقرار کرده و آن را برجسته نماید. اما یوحنا ی ق‌دیس در واکنش خود نسبت به معنی مرگ عیسی از این فراتر می‌رود.

روایت او دربارهٔ سوراخ شدن پهلوی مسیح با نیزه هنگامی که بر صلیب بود، بیانگر این ایمان است که رازها کفایت خود را از قربانی نجات بخش مسیح می‌گیرند. در یوحنا ۱۹: ۳۴ چنین نوشته شده است:

مجمع ترنت، که ایمان سنتی مسیحیان را بطور روشن و صریح بیان نمود، به نحو شایسته‌ای تعریف شد. بنابراین باید اعتقاد داشته باشیم که مسیح توسط ارادهٔ خویش هفت نشان فیض را پایه‌گذاری کرد.

بهر حال شیوهٔ دقیق برپایی رازها توسط مسیح کاملاً روشن نیست. انجیل نگاران تأسیس راز قربانی مقدس در شام آخر را به تفضیل شرح می‌دهند (متی ۲۶: ۲۶-۲۸؛ مرقس ۱۴: ۲۲-۲۴؛ لوقا ۲۲: ۱۹-۲۰) و یوحنا ی ق‌دیس وعدهٔ «نان حیات» را روایت می‌کند (یوحنا ۶: ۵۳-۵۸). متای ق‌دیس فرمان مسیح دربارهٔ تعمید را ضبط نموده است (متی ۲۸: ۱۹) و همچنین یوحنا وعدهٔ رازی را که به نیکودیموس داده شد، یادآوری می‌کند (یوحنا ۳: ۵). قدرتی که مسیح برای بخشایش گناهان به شاگردان داد در انجیل چهارم ذکر شده است (یوحنا ۲۰: ۲۲-۲۳).

کاربرد عملی و واقعی دیگر رازها در زمان رسولان به صراحت بیان شده است (دربارهٔ تثبیت روح القدس: اعمال ۸: ۱۵-۱۷ و ۱۹: ۶؛ احکام مقدس: دوم تیموتاوس ۱: ۶-۷؛ تدهین بیماران: یعقوب ۴: ۱۴-۱۵). پولس ق‌دیس ازدواج را تشویق می‌کند و می‌گوید که ازدواج تصویری است از اتحاد بین مسیح و کلیسا (افسیان ۵: ۲۱-۲۳).

اشتباه خواهد بود که تصور کنیم تمام جوانب مراسم ضروری مربوط به راز توسط مسیح و آن هم به صورتی غیر قابل تغییر تعیین شده است. وی وجود هر کدام از رازها را معین کرد یعنی معنی و تأثیر آنها را بیان نمود. اما نشان واقعی و مرئی همیشه توسط وی به همان صراحت و دقت

می‌کند. گفتن اینکه *kyrios* در برگزاری مراسم رازگونه عمل می‌کند معنی بیشتری از این دارد که بگوییم او رازها را بنیان نهاد و رازها کفایت خود را از حیات شایسته‌ی وی می‌گیرند. او بنیانگذار یک آیین به این معنی که جامعه‌ای مذهبی را تشکیل داد نبود، جامعه‌ای که بدون او و بعد از مرگش به کار خود ادامه دهد. حضور مسیح در کلیسایش صرفاً در یادآوری و خاطره‌ی وی نیست.

او همانگونه که پولس قدیس مکرراً بیان می‌کند سرِ کلیساست که در بدن سرّی‌اش زندگی و کار می‌کند. مسیح از طریق کلیسا و رازهای کلیسا کار نجات بخش خود را ادامه می‌دهد، کاری که یکبار و برای همیشه توسط مرگ و رستاخیزش به تحقق و انجام رسانید. این گفته یعنی اینکه مسیح نه تنها از طریق رازها فیض را می‌بخشد بلکه به مشارکت کنندگان در راز عطا می‌کند تا در زندگی، مرگ و رستاخیزش سهیم شوند.

حضور فعال و زنده‌ی مسیح در رازها به طور مخصوصی در راز قربانی مقدس روشن است. در این مورد بخصوص، مسیح حضور جسمانی دارد. او در این راز قربانی نجات بخش صلیب را تقدیم می‌کند و بدن و خونسش را به دریافت کنندگان نان و جام می‌دهد. بنابراین پولس قدیس می‌تواند درباره‌ی قربانی مقدس چنین بگوید: «شراکت در خون مسیح» (اول قرنتیان ۱۰:۱۶). با این وجود مسیح در تمام رازها حضور زنده و فعال دارد. قدیس آمبروز این حقیقت را به طرز زیبایی بیان کرده است: «ای مسیح، تو خود را روبرو به من نشان داده‌ای، تو را در رازهای مقدس

«یکی از لشکریان به پهلوی او نیزه‌ای زد که در آن ساعت خون و آب بیرون آمد.» از متن چنین برمی‌آید که شاگرد محبوب این را همچون واقعه‌ای معجزه‌آسا درک می‌کند که بعنوان شاهده‌ی بردستی گفته‌هایش به مخالفین ارائه دهد. «آن کسی که دید شهادت داد و شهادت او راست است و او می‌داند که راست می‌گوید تا شما نیز ایمان آورید» (یوحنا ۱۹:۳۵).

این نشان همانند دیگر نشانهای معجزه‌آسای انجیل چهارم پر از معنی است (شفای مرد کور ۹:۱-۱۴، تبدیل آب به شراب ۲:۱-۱۱، رستاخیز ایلعازر ۱۱:۱-۴۴، تکثیر نان ۶:۱-۱۳). آب و خونی که از پهلوی مسیح مصلوب جریان می‌یابد نشانهای منابع افاضه‌ی روح هستند که یوحنا ی قدیس در انجیلش ذکر می‌کند: تعمید (۳:۵) و قربانی مقدس (۶:۵۳-۵۸). قدیس یوحنا کریستوسوم و قدیس سیریل اسکندریه از این تفسیر یوحنا ۱۹:۳۴ دفاع می‌کنند و روشهای مدرن نقادی کتاب مقدس نیز آن را تأیید می‌نمایند.

پولس قدیس در هماهنگی با دیدگاه یوحنایی از رابطه‌ی نزدیک تعمید و مرگ مسیح واقعاً آگاه می‌باشد: «نمی‌دانید که جمیع ما که در مسیح عیسی تعمید یافتیم در موت او تعمید یافتیم؟ پس چونکه در موت او تعمید یافتیم با او دفن شدیم تا آنکه به همین قسمی که مسیح به جلال پدر از مردگان برخاست ما نیز در تازگی حیات رفتار نماییم» (رومیان ۶:۳-۴).

مسیح در برگزاری رازها به عنوان تقدیس کننده و کاهن اعظم عمل

اعمال مسیح هستند، از طریق نقش کلیسا به عنوان نماینده مسیح به وجود می آیند. مسیح رازها را فقط به کلیسا سپرد. کلیسا بعنوان نگاهبان این نشانهای کفایت بخش فیض، آنها را همانطور که از مسیح دریافت کرده، نگهداری می کند. از آنجا که رازها به ماهیت زندگی کلیسا مربوط می شوند، کلیسا نمی تواند در تعلیمش درباره رازها اشتباه کند و یا در تجربه خویش در مورد رازها به راه خطا رود.

بعلاوه کلیسا بعنوان نگاهبان رازها این اقتدار را در مورد آنها دارد که مقتضیاتی برای تأیید و اعتبار یک راز واقعی بوجود آورد. بنابراین براساس قانون کلیسا، شرایط متعددی که در مورد حقانیت راز ازدواج مؤثرند با اقتدار اعمال می شود. هیچ کشیشی بدون حوزه قضایی نمی تواند اعتراف ایمانداران را به طور معتبر بشنود. بنظر می رسد که کلیسا در مورد تثبیت روح القدس، مسح با روغن را برقرار کرده باشد که اکنون رفتار انسانی مربوط به این مراسم را شکل می دهد. احتمالاً در کلیسای اولیه، مراسم تثبیت روح القدس فقط مستلزم دست گذاری بدون مسح با روغن بوده باشد (ر.ک اعمال ۸: ۱۵-۱۷).

کلیسا انسانها را تقدیس می کند و خدا را از طریق رازها پرستش می نماید. کلیسا در حالیکه یگانه نگاهبان رازهاست فقط اوست که می تواند آنها را اجرا کند. کلیسا بعنوان دهنده این رازها به ایمانداران، همچون نماینده مسیح عمل می کند یعنی توسط ایمان و هدفش، کل رازها را طبق اراده و خواست مسیح هدایت می کند. در اینجا باید به اختلافی که بین دو نوع از قدرتهای کلیسا وجود دارد

کلیسا می یابم.» پیوس دوازدهم در حالیکه از این تعلیم کلیسا استقبال می کند در بیانۀ *Mediator dei* چنین می گوید: «مسیح برای نجات ما هرروزه در راز قربانی مقدسش کار می کند.»

اما اگر رازها وسیله هایی هستند که خود مسیح بکار می برد تا کار نجات بخش خود را به همه انسانها برساند، یادآوری کار کهناتی وی بر روی زمین یعنی تجربه کهنات مسیح نیز هست. رازها دعای مسیح، کاهن اعظم هستند که اگر چه در آسمان اما تحت پوشش نشانها ادامه می یابند تا پرستش ما را به پدرش که در میان کلیساست تقدیم نماید.

از آنجا که رازها اعمال مسیح هستند، به همان اندازه اعمال تاریخی مسیح که در کتاب مقدس نوشته شده، کفایت دارند. سخنان مسیح برای شفای دختر آن زن کنعانی کفایت می کرد (متی ۱۲: ۲۸)، توسط کلام وی آن مفلوج شفا یافت و گناهاش آمرزیده شد (لوقا ۵: ۲۰). بر اساس شهادت خود در موعظه شام آخر، وی با تمام زندگیش خدا را جلال داد (یوحنا ۱۷). او قربانی مقبولی را تقدیم کرد که تا به ابد کفایت می کند (عبرانیان ۱۰). بنابراین رازها همچون اعمال مسیح هم عبادت مقبول را به خدا تقدیم می کند و هم انسانها را تقدیس می نماید. او که برای ما دعا کرد و ما را تقدیس نمود.

۴- رازها اعمال کلیسا هستند

تنها کلیساست که نگاهبان رازهای مقدس می باشد. رازها در حالیکه

آنها را در کلیسا داخل می‌کند. تعمید کلیسا را بعنوان مادری که به فرزند خواندگان خدا تولد می‌بخشد و بعنوان جامعه‌ای از انسانهای نجات یافته، معرفی می‌کند. راز قربانی مقدس که مسیحیان همانند سفره خانوادگی دور آن جمع می‌شوند طبیعت اجتماعی کلیسا را نشان می‌دهد. احکام مقدس نشان می‌دهند که کلیسا جامعه‌ای بر مبنای سلسله درجات روحانی است که در آن ثروتهای مشترک روحانی توسط اشخاصی معین و منصوب به کل جامعه می‌رسد. تمام رازها کلیسا را بعنوان جامعه‌ای پرستشی و تقدیس کننده نشان می‌دهد.

۵- رازها اعمال خادمین هستند

خادم باید قصد و اقتدار صحیح داشته باشد. کلیسا مراسم مربوط به راز را از طریق خادمانش انجام می‌دهد. خادمان کسانی هستند که رفتار انسانی مربوط به راز را انجام داده و کلام را به نام کل کلیسا ادا می‌کنند. جدا از راز تعمید و ازدواج، خادم باید راز کهانت را دریافت کند تا بتواند دیگر رازها را اجرا نماید. اسقف خادمی است که می‌تواند راز تثبیت روح القدس و احکام مقدس را اجرا کند. یک کشیش ساده که از دانش مناسبی برخوردار باشد می‌تواند راز تثبیت روح القدس را اجرا کند و براساس شواهد تاریخی بنظر می‌رسد که حتی بتواند دیگر کشیشان را دستگذاری نماید.

اما با فرض اینکه خادم این قدرت را دارد که رازها را اجرا کند این سؤال پیش می‌آید که آیا وی می‌تواند بعنوان یک وسیله آزاد و با شعور

به دقت توجه کنید. قدرتی که کلیسا بدان وسیله قانون یا حکمی را انتشار می‌دهد (مثلاً پرهیز در روزهای جمعه) و قدرتی که بدان وسیله یک راز را اجرا می‌کند. در حالت اول کلیسا بر اساس توانایی خود بعنوان جامعه‌ای کامل عمل می‌کند. در حالت دوم همچون نیروی اجرایی عمل می‌کند و بعنوان ابزاری در دست عیسی مسیح که سرچشمه و کفایت راز را عمیقتر می‌سازد. در حالیکه کلیسا می‌تواند قوانینی را که خود ساخته، تغییر دهد، اما درمورد رازها نمی‌تواند هیچ چیزی را که خود مسیح تعریف و بنا نموده است عوض کند. کلیسا در اجرا و بخشیدن رازها از طریق خادمانش بعنوان نماینده مسیح عمل می‌کند تا انسانها را تقدیس کند. بعلاوه همچنانکه رازها کار پرستش مسیح است، قسمتی از پرستش عمومی کلیسا نیز می‌باشد. کلیسا در نشان دادن پرستش مسیح بطور مرئی، اندیشه بدن سرّی^۵ را نیز بیان می‌کند.

کلیسا از طریق رازها خود را بنا می‌کند و به دنیا اعلام می‌نماید. کلیسا بوسیله تقدیس اعضایش از طریق رازها خود را بنا می‌کند. او مادری است که به بچه‌هایش تولد می‌بخشد و آنها را بارور می‌گرداند. کلیسا توسط جریان هفتگانه حیات الهی که از پهلوی مسیح جاری می‌شود، پیوسته تازه و تقویت می‌گردد. کلیسا همیشه در کاملیت رشد می‌کند تا در مسیح به پری تقدس برسد.

در حالیکه رازها اعمال لازم و ضروری کلیسا هستند، طبیعت واقعی آن را بیان می‌کنند. مثلاً تعمید به نوایمانان زندگی نوین می‌بخشد و

بزرگسالان را اجرا کند می تواند تمام شرایط لازم برای خادم این راز را بدست آورد.

۶- دریافت کنندگان رازها

دریافت کننده رازها شایستگی فیض رازگونه را ندارد. قبلاً خاطر نشان کرده ایم که رازها نشانهای کفایت کننده فیض هستند زیرا اعمال مسیح می باشند. این نکته را باید به یک مفهوم منحصر بفرد درک کرد. آنها کفایت دارند فقط به خاطر مسیح و نه به دلیل لیاقت خادم رازها که همانطور قبلاً ذکر کردیم، می تواند یک راز را اجرا کند اگر چه وی گناهکار باشد، کفایت رازها به شایستگی و لیاقت دریافت کنندگان نیز بستگی ندارد.

مجمع ترنت دکترین کفایت رازها را با این سخن تعریف کرد که راز فیض را می بخشد «ex opera operato» (تحت الفظی = از کاری که انجام شد). این عبارت مبهم که از قرن سیزدهم برای رازها بکار می رود، تصدیق می کند که مراسم مربوط به راز به دلیل شایستگی مسیح در خودشان کفایت دارند و نه به دلیل شایستگی خادم یا دریافت کننده.

دریافت کننده در برگزاری راز بطور فعالی شرکت می کند. اگر چه رازها جدا از اعمال شایسته خادم یا ایماندار کفایت دارند اما به این معنی نیست که کاملاً از فعالیت انسانی مجری و دریافت کننده راز مستقل می باشند. قبلاً اشاره شده بود که خادم باید نیت پاک داشته باشد در غیر این صورت راز به این سادگی به وجود نمی آید.

همچنانکه کلیسا همیشه تعلیم داده و مجمع ترنت نیز تأکید کرده

هدف راز را با قصد خویش مغشوش نماید. مشکل دیگری که مطرح است به ایمان و تقدس خادم بستگی دارد. آیا یک بدعت گزار یا یک مشرک می تواند راز را اجرا نماید؟ آیا امکان دارد یک گناهکار که فیض نیافته، بعنوان خادم فیض عمل کند؟ تمام این سؤالات را نمی توان به سادگی و با کم توجهی جواب داد زیرا صلاحیت خادم به اراده مسیح که رازها را بنیان نهاد بستگی دارد. جواب سؤالات را می توان در تعلیم و عمل کلیسا یافت که نگاهبان و بخشنده بی عیب رازهای فیض می باشد.

در تعلیم سنتی کلیسا و تأیید صریح و قاطعی را می بینیم که خادم باید این نیت و هدف را داشته باشد که «اعمال کلیسا را، به عمل آورد.» این فرمول که به قرن سیزدهم برمی گردد و توسط مجمع های فلورانس و ترنت تصدیق و اثبات شده بیان می کند که خادم رازها یک آدم مصنوعی نیست بلکه انسانی آزاد و آگاه که حتی می تواند هدف رازها را با نیت خویش زایل گرداند. بهر حال در صورت اعمال اراده، وی می تواند رازها را باطل و بی اثر سازد.

ایمان و تقدس شرط لازم برای خادم نمی باشد. در حالیکه کلیسا از خادمان نیت پاک و صادق می خواهد، سنت بروشنی تعلیم می دهد که ایمان و تقدس برای خادم رازها شرط لازم نیست. کسی که رازهای فیض را اجرا می کند باید مرد ایمان و تقدس باشد با این وجود چه او مقدس باشد و چه گناهکار، چه ایماندار و چه بی ایمان تا زمانی که بخواهد و قدرت داشته باشد می تواند راز را بصورت واقعی اجرا کند. برای مثال در مورد تعمید، هر کسی (مشرک، گناهکار و غیره) که می خواهد تعمید

خدای تقدیس کننده است. اگر کسی در رازها شرکت کند و شرایط لازم را نداشته باشد، راز را بصورت نشان کفایت کننده فیض دریافت نخواهد کرد بلکه تظاهر و ریا می باشد و از آنجا که ملاقات واقعی بین بخشنده فیض و دریافت کننده وجود ندارد، فیض راز دریافت نخواهد شد.

در حالتی که دریافت کننده نیت پاک برای دریافت راز را داشته باشد، اما شرایط لازم را نداشته باشد، راز الزاماً بی تأثیر نخواهد بود. تعمید، تثبیت روح القدس و احکام مقدس شخصیتی جاودانی می بخشند. بعلاوه، فیض این سه راز بعد از توبه داده خواهد شد. این مطلب در مورد ازدواج در حالت گناه نیز صدق می کند. فیض ازدواج وقتی داده خواهد شد که زن و شوهر با خدا آشتی کرده باشند. اکثر عالمان الهی معتقدند که اگر در خلال بیماری شخص بیمار توبه کند، تدهین وی فیض خود را می دهد اگر چه وی قبلاً اعتقادی به آن نداشته باشد.

۷- رازها از کوشش شخصی انسانها سرچشمه نمی گیرند

رازها راهی آسان برای نجات نیست. این حقیقت دارد که رازها وسیله هایی مطمئن و واقعی نجات هستند. آیا مسیح در مورد تعمید نگفت: «اگر کسی از آب و روح مولود نگردد ممکن نیست که داخل ملکوت خدا شود» (یوحنا ۳: ۵)؟ خداوند در مورد راز قربانی مقدس نیز چنین تعلیم می دهد: «هر که جسد مرا خورد و خون مرا نوشید حیات

است و برخلاف تفکر پروتستانها، شخص دریافت کننده راز باید شرایط مشخصی داشته باشد تا رازی را که دریافت می کند، به وی فیض ببخشد.

دریافت کننده باید نیت لازم را داشته باشد تا بتواند یک راز را دریافت کند. بعلاوه در مورد رازهای مردگان (تعمید بزرگسالان، توبه و تدهین با روغن) که به افراد بسیار گناهکار فیض می بخشد، دریافت کننده باید شرط ایمان، امید و سزای روحانی ارتکاب گناه را داشته باشد. وی همچنین باید اراده ای محکم برای انجام شریعت خدا را داشته باشد. برای دریافت کامل رازهای زندگان (تثبیت روح القدس، عشای ربانی، احکام، ازدواج) لازم است که هر گناه جدی را ابتدا به داوری کشیش در راز اعتراف اقرار کرد. در این حالت فرض بر این است که فرد دارای فیض است. آگاهی در مورد گناه مهلک یا آگاهی در مورد گناهی که در اعتراف، اقرار نشده باعث می شود که دریافت راز بی ثمر بماند. ترتیبات و حالاتی که لازم است در دریافت کننده راز وجود داشته باشد، برای پرباری دریافت رازها ضروری است. آنها شایستگی فیضی را که در مراسم دریافت می شود ندارند. بهرحال هر چه شخص وضعیت بهتری داشته باشد، مشارکتش درحیاتی که دریافت می کند بیشتر خواهد بود.

علت اینکه فقدان شرایط لازم مانع از دریافت فیض مربوط به راز می شود آسان است. آن شرایط به فیضی که تقدیم می شود معنی و مفهوم می بخشند. بنابراین دریافت رازها طبیعتاً، اقرار ایمان امید و محبت به

بازمی ماند. چنین شخصی با این تفکر زندگی خواهد کرد که در راز، فیضی را دریافت می کنیم که مزیت و کارایی چندانی ندارد.

برطبق این دیدگاه، انسان منفعل درمقابل کشیش می ایستد و آن تغذیه روحانی را دریافت می کند که خودش برای آن کوششی نکرده است. چنین درکی از رازها را بندرت می توان خارج از سحر و جادو دانست. تمام این نظریات را اغلب در کتابهای عمومی می خوانیم که رازها مانند آمپول زیر جلدی یا به عبارت دیگر آمپول زیر جلدی ماوراء الطبیعی هستند که فیض را به روح تزریق می کنند. چنین توصیفی نارساست زیرا این حقیقت که تدارک نجات اساساً برای ملاقات شخصی بین خدا و انسان از طریق مسیح جلال یافته است، نمی تواند در چنین دیدگاهی جایی داشته باشد.

اگر رازها را در زمینه واقعی شان ببینیم، وجودشان مانند اشیای بی جان طبیعت نیست. رازها معنی خود را از رفتار و تفکر انسانی می گیرند. آنها در حالیکه با فضای برخورد شخصی سروکار دارند، جواب انسانی می طلبند که توسط شخصی داده می شود که راز برای وی اجرا می شود.

بعلاوه، به این دلیل که دریافت رازها قطعی است، عمل قاطع فرد مسیحی به عنوان یک ایماندار را می طلبد. اگر رازها به سطح فرمالیسم بی حرکت و مرده تبدیل نشود، باید همیشه علامت تعهد شخصی را بر خود داشته باشد.

جاودانی دارد و من در روز آخر او را خواهم برخیزانید» (یوحنا ۶: ۵۴). رازها، نشانهای کفایت کننده فیض هستند که مسیح آنها را ضمانت نموده است زیرا وی در آنها عمل می کند.

با این وجود، رازها راههای آسانی برای نجات نیستند یعنی از کوشش شخصی ما نشأت نمی گیرند. ما صرفاً با انجام ظاهری آنها نمی توانیم فیض مصالحه و صمیمیت باطنی با تثلیث اقدس را بدست آوریم. از آنجا که رازها برای انسانهای آزاد و مختار در نظر گرفته شده اند، هر شخص باید نیت ملاقات با مسیح و شرایط مناسب ایمان، امید و محبت را داشته باشد.

به این دلیل که رازها را ابتدا بعنوان مراسم ظاهری درک می کنیم یعنی نشانهایی که می بینیم و می شنویم، همیشه این وسوسه وجود دارد تا آنها را بعنوان چیزهای فاقد شخصیت نگاه کنیم یعنی زندگی رازگونه را به عنوان رابطه ای علت و معلولی و فاقد شخصیت در نظر بگیریم.

یهودیان در زمان عیسی در برابر چنین وسوسه ای تسلیم شده بودند. آنها با دیدن تجسم پسر خدا فقط عیسی انسانی را می دیدند: «آیا این عیسی پسر یوسف نیست که ما پدر و مادر او را می شناسیم؟ پس چگونه می گوید از آسمان نازل شدم؟» (یوحنا ۶: ۴۲). آنها از دیدن رازی که در ورای نشان انسانیت مقدس عیسی مخفی شده بود ناتوان بودند. عیسی به یهودیان گفت: «بحسب ظاهر داور می کنید بلکه برآستی داور می باشید» (یوحنا ۷: ۲۴). این هشدار در مورد رازها نیز کاربرد دارد. شخص باید به رازی که ماورای نشان است نگاه کند. در غیر این صورت از دیدن عنصر ملاقات شخصی که برای حیات رازگونه لازم است

شکوهی متفاوت در انسان نمایان می‌سازد.

فیض رازگونه توسط تمام رازها داده می‌شود. برای توضیح تأثیرات مختلف این هفت راز، عالمان الهی معمولاً می‌گویند که تمام رازها فیض تقدیس‌کننده یعنی مشارکت در حیات تثلیث اقدس را به ما می‌بخشند اما هر راز یک فیض رازگونه مخصوص را به ایماندار می‌دهد. در نتیجه این سؤال‌ها پیش می‌آید: طبیعت این فیض‌های رازگونه مخصوص چیست؟ چگونه با فیض تقدیس‌کننده فرق می‌کنند؟

بهترین جواب این است که فیض رازگونه همان تقدیس‌کننده است که در آن، هر راز مشابهتی با مسیح را در انسان بوجود می‌آورد. تأثیر تقدیس‌کننده هر کدام از رازها مستلزم مشارکت مخصوص در زندگی مسیح می‌باشد که بدان وسیله مسیحی به شباهت کامل با نجات دهنده‌اش می‌رسد. شباهت بخصوص با مسیح که از هر کدام از رازها ناشی می‌شود به مفهوم دریافت فیض‌های واقعی و به طور روزانه می‌باشد که برای نشان دادن این حیات مخفی در مسیح، در زندگی لازم می‌باشد.

۹- سه راز دارای يك ویژگی رازگونه هستند

درحالی‌که تأثیرات و ویژگی‌های هر کدام از رازها در یک تجزیه و تحلیل مفصل بهتر شناخته می‌شوند، می‌توانیم بطور خلاصه به قدرت و جاودانگی منحصر بفرد مسیح که شخص مشابه وی می‌شود اشاره کنیم،

۸- تأثیر رازها

رازها نشانهای کفایت‌کننده عطایای الهی هستند. رازها نشانهایی هستند که کار نجات بخش مسیح را به ما یادآوری می‌کنند و بنابراین نشانهای نقش مسیح بعنوان کاهن اعظم آیین جدید و ابدی و تقدیس‌کننده انسانها می‌باشند. راز نشان تقدسی است که به انسانها داده می‌شود و نشان پرستش بدن سرّی مسیح است. رازها همچنین نشانهای جلال‌آینده نسل نجات یافته می‌باشند یعنی اتحاد قطعی بشریت با تثلیث در مسیح و پرستشی که بشریت با مسیح تا به ابد تقدیم خواهد نمود.

بعلاوه رازها نشانهای کفایت‌کننده می‌باشند. آنها بر معنی و مفهومی که دارند، تأثیر می‌گذارند. رازها پرستش مقبول مسیح و کلیسا و نشانهای کفایت‌کننده تقدیس‌کنونی هستند و نه صرفاً بیعانه تقدیس‌آینده.

اما این تقدیس چه مفهومی دارد و چگونه از رازها تأثیر می‌پذیرد؟ بطور کلی می‌توانیم بگوییم که تمام رازها بوسیله هم شکل کردن انسان با مسیح، در حیات الهی مشارکت می‌بخشد. صرفاً با گفتن این نکته، معنی تأثیرات رازها را کاملاً درک نکرده‌ایم. زیرا در حالیکه تمام رازها برای جلال خدا و تقدیس انسانها منظور شده‌اند، از جنبه‌های مهمی با همدیگر تفاوت دارند. هفت راز وجود دارد که وظیفه دوگانه جلال خدا و تقدیس انسانها را به شیوه‌های مخصوصی تحقق می‌بخشند. هر کدام از رازها با صدایی متفاوت خدا را ستایش می‌کند و جلال خدا را با تجلی و

در تقدیم راز قربانی مقدس شرکت کند و دیگر رازهای کلیسا را دریافت نماید. همچنانکه پیوس دوازدهم می گوید این کاراکتر اساس کهنات ایمانداران می باشد: «مسیحیان بوسیله آب تعمید اعضای بدن سّری مسیح کاهن می شوند و بوسیله «کاراکتر»ی که بر جانهای ایشان قرار گرفته، تعیین شده اند تا خدا را پرستش کنند. بنابراین آنها طبق وضعیتشان در کهنات مسیح شرکت می کنند.»

کاراکتر تثبیت روح القدس با پرستش ارتباط دارد. کاراکتر کهنات، قدرت تقدیس و تقدیم راز قربانی مقدس را بعنوان خادم مسیح می بخشد. این کاراکتر همچنین قدرت اجرای رازهای دیگر را نیز می دهد.

۱۰- هفت راز شریعت نوین

تعلیم سنتی. اختلافاتی که بین رازها وجود دارد آنچنان عمیق هستند که بیشتر از هزار سال از تاریخ کلیسا سپری شد قبل از اینکه در یک چارچوب با هم پیوند بیابند. اما در حالیکه با بیهوده به دنبال فهرستی از رازهای هفت گانه در نوشته های الهیاتی قبل از قرن دوازدهم جستجو می کنیم، تمام این رازها در بالاترین ارزش و اعتبار خود در طی تمام آن قرون بعنوان مهمترین ابزارهای تقویت ایمان کلیسا در تمام اشکال بنیانی اش بکار می رفت و برگزار می شد.

با پیشرفت الهیات مربوط به رازها در قرن دوازدهم، رازهای هفتگانه

شباهتی که تأثیر تعمید، تثبیت روح القدس و فرمانهای مقدس می باشد. کسی که این سه راز را دریافت کند تا به ابد مهر شده است. چنین شخصی نشانه مخصوص مسیح را همیشه و تا جلالش در آسمان یا شرمساریش در جهنم بر خود خواهد داشت.

شبهات مخصوص به مسیح که در این سه راز داده شده است Character خوانده می شود. گفته می شود که قدیس آگوستین، این اصطلاح را برای توصیف ویژگی جاودانی تعمید بکار برده است. اما تا پایان قرن دوازدهم این کلمه جنبه کاربرد عمومی پیدا نکرد. این اصطلاح توسط مجمع های فلورانس و ترنت برای تأثیر جاودانی تعمید، تثبیت روح القدس و فرمانهای مقدس بکار برده شد.

character که کلمه ای یونانی است هم بیانگر وسیله ای است که توسط آن یک تصور بر یک شیء قرار می گیرد و هم بیانگر خود تصور می باشد. از این رو این کلمه شایستگی این را دارد تا شبهات جاودانی به مسیح را که بوسیله این سه راز بوجود می آید، توصیف کند.

بعد از مجمع های فلورانس و ترنت، کاراکتری که مربوط به رازها می باشد معمولاً بعنوان «نشانه ای روحانی و ثابت» توصیف می شد. اگر دقیقتر بررسی کنیم متوجه می شویم که کاراکترهای مختلفی، یک مشارکت ویژه در کهنات مسیح را ممکن می سازند که بدانوسیله فرد مسیحی به پرستشی فرمان داده می شود که همانا پرستش و عبادت کلیسا می باشد.

بوسیله کاراکتر تعمید، به شخص مسیحی این قدرت داده می شود تا

ملاقات و برخورد با رازهای نجات دهندهٔ قربانی نجات بخش مسیح مشخص و معین شده است.

مسیحی درحالیکه بوسیلهٔ تعمید در یک حیات نوین متولد می شود، یک شباهت ویژه به مسیح را از طریق تثبیت روح القدس دریافت می کند. مسیحی تأیید شده درحالیکه بعنوان فردی بالغ تقدیس می شود (کسی که نه تنها برای خود فقط بلکه برای دیگران نیز زندگی می کند) این فیض را دریافت می کند تا برای پیشرفت و اعتلای ملکوت خدا بر روی زمین کار می کند تا در خدمت و رسالت همگانی عیسی سهیم شود. اگر ازدواج کند یا خدمت روحانی را انتخاب نماید باز هم بوسیلهٔ راز ازدواج یا فرمانهای مقدس تقدیس می شود.

اما هرچایی که این نوع زندگی وجود داشته باشد بوسیلهٔ مشارکت در من جدید یعنی بدن و خون مسیح در قدوسیت رشد می کند و بعد از مرگ روحانی بر اثر گناه بوسیلهٔ راز توبه و اعتراف از سر نو احیا می شود. فرد مسیحی در لحظات وسوسه آمیز زندگی انسانی اش بوسیلهٔ رابطهٔ ملموس با راز نجات تقدیس می شود. چنین شخصی که پیرو مسیح می باشد وقتی که مشرف به موت می شود تقدیس کنندهٔ نجات دهنده اش را تحت نشانهای رازگونهٔ تدهین و راز قربانی مقدس دوباره تجربه می کند قبل از اینکه او را روبرو ملاقات کند.

۱۱- تعریف کلی رازهای عهد جدید

در حالیکه جنبه های مهم و متنوع رازها را بررسی می کنیم، مطالعهٔ

در مقوله ای خاص جای گرفتند. این محاسبه بوسیلهٔ کلیساهای شرق و غرب بعنوان ارتباط ایمان مسیحی پذیرفته شد. همچنین بوسیلهٔ کلیساهای منفرد و متحد بعنوان دکترین سنتی دنیای مسیحیت مورد قبول واقع گردید.

هدف و نقشهٔ رازهای هفتگانه. در اولین نگاه چنین بنظر می رسد که تنها یک راز برای پیشرفت فعالیت تقدیس کنندهٔ مسیح به شیوه ای ملموس کافی خواهد بود. پس چرا ما هفت راز داریم که همهٔ آنها کفایت خود را از همان قدرت الهی و همان کار نجات بخش مسیح می گیرند؟ شخص بوسیلهٔ تفکر بر این حقیقت که مسیحیان متعلق به یک کلیسای مسافر هستند، جوابی برای این سؤال پیدا خواهد کرد. زندگی فرد مسیحی به شیوه ای بسیار واقعی زیارت یا مسافرتی طولانی و خسته کننده است. نجات در جریان وقایع معمولی در یک لحظه بدست نمی آید. کاملیت در لحظهٔ برداشتن اولین قدم بوسیلهٔ پذیرش مسیح از طریق تعمید ظاهر نمی شود. زندگی مسیحی را می توان با تاریخ ملت اسرائیل مقایسه کرد که بوسیلهٔ عبور از دریای سرخ از اسارت مصر آزاد شد، اما با این وجود هنوز وارد سرزمین موعود نمی شوند بلکه باید سالهای متمادی در بیابان تجربه شوند و رنج بینند.

اما اگر مسیحی باید راهی پر از رنج و زحمت را طی کند به تنهایی سفر نمی کند. درست همانگونه که یهوه شخصاً در لحظات بحرانی و خطیر سرگردانی بنی اسرائیل در بیابان دخالت می کرد تا قومش را یاری دهد، همچنان نیز مراحل مهم تاریخ زندگی شخصی هر مسیحی بوسیلهٔ

وقتی که رازها عطا می شوند این مسیح است که آنها را اعطا می کند. از طریق کلیسا: مسیح این قدرت را به کلیسا می دهد تا به عنوان یگانه نگاهبان و منتشر کننده این منابع هفتگانه فیض عمل کند. و خادمان: خادم یک وسیله آزاد و داوطلب کلیسا است. او توسط تصمیم و قصد خویش در کل کلیسا کار می کند، کلیسایی که ایمان و هدفش، اعمال مربوط به رازها را هدایت می کند. تقدیم رازهای جسم خویش: رازهای مقدس کلیسا بیانگر رازهای حیات مسیح هستند مخصوصاً رازهای رنج، مرگ و جلال یافتن وی که کفایت خود را از آنها می گیرند.

تقدیس را مفهوم می بخشند: این اعمال ظاهری پرستش که بوسیله مسیح از طریق مأموریت کلیسا انجام می شوند، نشانهای تقدیس هستند. علاوه بر یادآوری رازهای نجات بخش زندگی مسیح، ما را از عطایای مخصوص الهی که به ما عطا می شود آگاه می کند و بیعانه جلالی است که در آینده می آید، آن هنگام که فرد مسیحی در آن ملاقات فرخنده با خداوند روبرو می شود.

بر تقدیس *ex opera operats* تأثیر می گذارد: این فرمول یک جنبه مثبت و منفی دارد. در حالت مثبت بیانگر این است که نشانهای مربوط به رازها از طریق مسیح که در آن عمل می کند، فیض می بخشند. در حالت منفی به این معنی است که ثمره رازها بخاطر اعمال شایسته خادم یا دریافت کننده راز نیست. این عبارت چنین فرض می کند که خادم هدف درست و دریافت کننده تمایل مناسبی دارد.

خود را با تعریف کلی راز به پایان می بریم. تعریف راز در کتب درسی اغلب چنین است: «نشانه ای مقدس که بوسیله مسیح پایه گذاری شد تا فیض را در جان ایمانداران بوجود آورد یا آن را افزایش دهد.» اما تعریف دقیق تر این کلمه دارای مزیت و رجحان می باشد. چنین تعریفی همانست که بوسیله دبلیو وان رو از دانشگاه جورجیا ارائه شده است. وی راز عهدجدید را چنین تعریف می کند: «راز پرستشی ظاهری است که بدانوسیله مسیح از طریق کلیسا و خادمانش رازهای جسم خویش را ارائه می دهد که تقدیس شخص ایماندار را مفهوم می بخشد و بر آن تأثیر می گذارد.»

ما قبلاً معنی هر کدام از اصطلاحات این تعریف را مطالعه کرده ایم، تعریفی که ممکن است به صورت زیر خلاصه و جمع بندی شود: عمل ظاهری: رازها، نشانهایی هستند که از کلمات و رفتارهایی تشکیل شده اند که بدانوسیله بین اشخاص رابطه برقرار می شود. پرستش: رازها پرستش مسیح کاهن اعظم و کلیسای وی است. از آنجایی که آنها (خادم و دریافت کننده) در برگزاری مراسم مربوط به راز شرکت می کنند، پرستش پسندیده را در اتحاد با مسیح و کل کلیسا به خدا تقدیم می دارند.

که بدانوسیله مسیح: مسیح در رازها به دو شیوه عمل می کند. ۱) او رازها را پایه گذاری کرد. فقط او می تواند این را انجام بدهد زیرا تنها او بعنوان یگانه شفیع عهد جدید می تواند پرستش مورد قبول خدا را تقدیم کند و انسانها را تقدیس نماید. ۲) مسیح در اجرای رازها عمل می کند.

شده اند چیست؟

- ۱۱- چه چیزی باعث کفایت رازها می شود؟
- ۱۲- آیا رابطه ای بین راز تعمید و مرگ مسیح وجود دارد؟
- ۱۳- راز قربانی مقدس چگونه با رازهای دیگر فرق می کند؟
- ۱۴- مثالهایی از کوشش کلیسا بیان کنید که برای ایجاد موقعیتهای مؤثر بر اعتبار و ارزش رازها، از اقتدار مناسب خود استفاده می کند.
- ۱۵- نشان دهید چگونه رازها اعمال الزامی کلیسا نیز هستند که طبیعت واقعی آن را بیان می کنند.
- ۱۶- چه رازهایی الزاماً برای اجرا احتیاج به کشیش ندارند؟
- ۱۷- کدامیک از رازها معمولاً بوسیله اسقف اجرا می شوند؟
- ۱۸- آیا خادم می تواند با نیت و تمایل نادرست خویش هدف یک راز را مغشوش کند؟ نیت و تمایل او چه باید باشد؟
- ۱۹- آیا ایمان و تقدس شروط لازم برای خادم راز است؟
- ۲۰- آیا دریافت فیض مربوط به راز به شایستگی دریافت کننده بستگی دارد؟ دریافت کننده راز چه نوع آمادگی باید داشته باشد؟
- ۲۱- چه کسی می تواند تعمید بگیرد؟
- ۲۲- کدامیک از رازها یک شخصیت دائمی می بخشند؟
- ۲۳- وقتی می گوئیم رازها از تلاش شخصی ما بدست نمی آیند چه منظوری داریم؟

شخصی که بطور شایسته آماده می باشد: رازها ثمره فیض هستند اگر دریافت کننده بطور شایسته ای آماده باشد. بنابراین یک راز معتبر و مؤثر فقط وقتی فیض می بخشد که آمادگی تمایل، ایمان، امید و محبت بطور عینی وجود داشته باشد. اگر دریافت کننده (بزرگسال) تعمید، تثبیت روح القدس یا فرمانهای مقدس تمایل کافی داشته باشد اما ایمان، امید و محبت لازمه را نداشته باشد، آن کاراکتر را دریافت می کند نه فیض را.

سؤالاتی برای بحث گروهی

- ۱- کلیسا «راز انسانیت مسیح» است، یعنی چه؟
- ۲- کدام رازها در عهد جدید ذکر شده اند؟
- ۳- اصول راز را شرح دهید.
- ۴- هفت راز کلیسا را نام ببرید.
- ۵- چگونه رازها، نشان هستند؟
- ۶- بعضی از عناصر و رفتارهای مادی را نام ببرید که در رازها بکار می روند.
- ۷- در مورد اهمیت «کلام» در رازها توضیح دهید.
- ۸- این گفته که رازها اعمال مسیح هستند به چه معنی می باشد؟
- ۹- آیا چیزی درباره پایه گذاری عملی رازها می دانیم؟
- ۱۰- کاربرد رازهایی که برای اولین بار در زمان رسولان نام برده

۴۵

۲۴- رازها چه فیضهایی می بخشند؟

۲۵- تعریف عمومی راز را بیان کنید.

* * *

* *

*